

باب جغرافی دانان اندلس و آثار آنها

علیرضا روحی میرآبادی

مقدمه

ویژگی‌های علم جغرافیا در اندلس

علم جغرافیا در اندلس همزمان با علم تاریخ آشکار گردید. همان عواملی که باعث شد جغرافیا در شرق رونق گرفته و رشد کند، در آندلس نیز باعث رشد و رونق جغرافیا گردید. انجام سفر حج و مسیر کاروان‌ها به سوی حجاز، همچنین سفر علمای اندلس برای فراگیری علم به شرق باعث توجه به علم جغرافیا گردید. در آندلس آثار جغرافیایی بسیاری تألیف شد. برخی از آنها از نظر علمی قابل رقابت با آثار جغرافی دانان بزرگ شرق بودند. نکته‌ای که در این آثار قابل توجه است، این است که مکتب بلخی و عراقی در اندلس طرفداری ندارد. جغرافی دانان اندلس بیشتر از تألیفات لاتینی و فرانک‌ها و گوت‌ها که پیش از ورود اسلام به اندلس به نگارش درآمده بود، بهره بردند. مرزبندی ایالات و اندازه‌گیری مسافت‌ها و تاریخ شبه جزیره و تاریخ بعضی از سرزمین‌ها و شهرها را از اهالی اندلس فرا گرفتند.

عوامل مؤثر در جغرافیای اندلس

تأثیر آثار یونانی و رومی را در جغرافیای اسلامی اندلس نمی‌توان انکار کرد. جغرافی دانانی همچون مارسیانوس، امینیوس، اراتوشینیس و بلینیوس توصیفات از آندلس آوردند که مورد استفاده مسلمانان قرار گرفت.^۱

مسلمانان در طی هشت قرن حضورشان در اندلس، میراث علمی بسیار گران سنگی را از خود به جای گذاشتند. یکی از مهمترین موضوعاتی که مورد توجه ویژه آنان قرار گرفت، جغرافیا بود. در این مقاله جغرافی دانان اندلس و تألیفات آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

این آثار جغرافیایی را می‌توان به شیوه‌های مختلفی تقسیم‌بندی کرد. تعدادی از آنها براساس مسالک و ممالک تألیف شده‌اند. توجه به این روش از قرن چهارم و توسط خاندان آل رازی شروع شد. مهمترین اثر در این زمینه کتاب المسالک و الممالک بکری است که متأسفانه فقط بخش‌هایی از آن باقی مانده است.

در آندلس به سفرنامه نویسی اهمیت ویژه‌ای مبدول شده است. در بین سفرنامه‌های تألیف شده، آثاری وجود دارد که شرح سفر به اروپا است. اوج سفرنامه نویسی را در اثر ابن جیبیر باید دید. معجم نویسی مکان‌های جغرافیایی با اثر بکری و حمیری مشخص می‌شود. ادریسی، زهری و ابن سعید آثاری را براساس هفت اقلیم تألیف نمودند.

تعدادی از جغرافی دانان اندلس به تهیه نقشه‌های جغرافیایی اهتمام نشان دادند. در کنار این آثار، کتاب‌های دیگری نیز تألیف گردید که در تقسیم‌بندی فوق‌ترجیح‌ها نمی‌گیرند.

در این مقاله سعی شده تا آثار جغرافیایی که در هر یک از زمینه‌های فوق‌ترجیح‌ها به اختصار مورد بررسی قرار گیرد.

۱. مونس، حسین، تاریخ الجغرافیا و الجغرافین فی الاندلس به نقل از: Adolf schulten Iberischelband skund, p.12

او اولین فردی است که روش جغرافیای اقلیمی را در اندلس متداول نمود.

در نیمه دوم قرن سوم و اوایل قرن چهارم خانواده ای در اندلس ظهور کردند که موسوم به «آل رازی» هستند. از این خانواده سه نفر شناخته شده اند؛ اولین آنها «محمد بن موسی رازی» (م ۲۷۳) است که ساکن قرطبه بوده و در تاریخ و جغرافیا و گیاه شناسی تخصص داشته است. اثر وی کتابی است به نام «الریایات»^۲. این کتاب به دست نیامده، ولی بخش هایی از آن را می توان در آثار دوره های بعد یافت. موضوع اصلی کتاب، تاریخ و جغرافیای اندلس است.

مهم ترین فرد این خانواده «احمد بن محمد رازی» (م ۲۷۴-۳۴۴هـ) است. در حقیقت او را باید پدر جغرافیا و تاریخ اندلس دانست. احمد بن محمد یکی از آثار او روزیوس را ترجمه کرد. شخصیت ادبی احمد بن محمد در منابع، مورد تمجید قرار گرفته است.^۳ اثر مهم جغرافیایی او که به شیوه مسالک و ممالک نگاشته است، «مسالک الاندلس و مراسمها و امهاتها و اجنادها السنه» است^۴ که در واقع مقدمه ای جغرافیایی بر تاریخ کبیر رازی می باشد. این کتاب باقی نمانده، ولی منابع دوره های بعد از آن استفاده فراوان برده اند.^۵

ترجمه بخشی از این اثر به زبان پرتغالی توسط جیل پیریذ Gilperez در قرن چهاردهم میلادی صورت گرفته است.^۶ این ترجمه سه قسمت دارد: بخش اول آن «صفاة الاندلس» نامیده شده که توصیفات از شهرهای مختلف اندلس است. دو قسمت دیگر مربوط به موضوعات تاریخی است.^۷ این ترجمه دارای اشتباهات فراوانی است. از این ترجمه به زبان اسپانیایی ترجمه ای صورت گرفته که این ترجمه نیز دارای اشتباهات بسیاری است.

۲. اوسکی، ف، ن، نقدی بر استرابون، ترجمه محمد تقی زاده، تهران، پویش ۱۳۵۶، صفحه ۱۱۲-۱۱۴.
۳. مقری، فخر العلیب، تصحیح محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، ۱۳۶۷ق، ج ۴، ص ۱۰۸، ابن الابار: التکمله، ص ۳۶۶.
۴. ابن فرسی، تاریخ العلماء والرواه للمعلم بالاندلس، تصحیح عزت العطار بغداد، مکتبه المثنی ج ۱، ص ۵۴.
۵. حمیدی، جزوه المقتبس، ص ۹۶-۹۷، الضبی بقیه الملتمس، ص ۱۴۰ و مقری، ج ۴، ص ۱۶۶.
۶. برای نمونه مراجعه شود به حمیری، روض المعطار، ص ۳۸۹.
۷. حمیده، عبدالرحمن، اهلام الجغرافیین العرب ومقتطفات من آثارهم، دمشق، چاپ دارالفکر، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۲.
۸. بخش هایی از اثر رازی را حمیری در روض المعطار آورده است با مراجعه به روض المعطار می توان دورنمایی از اثر رازی را به دست آورد.

از علمای دیگر استرابون است. او به اسپانیا سفر کرده، برخی مناطق آن را توصیف می کند و قسمت باریکی که شبه جزیره را به اروپا وصل می کند، برزخ نامید. عقاید او در مورد حدود اندلس در نوشته های اسلامی نفوذ کرد.^۲ گرچه جغرافی دانان اندلس تحت تأثیر تقسیم بطلمیوس قرار نگرفتند؛ اما برخی تقسیمات او را در مورد شبه جزیره پذیرفتند.

یکی از جغرافی دانان اندلس که تأثیر زیادی در جغرافیای اسلامی اندلس گذاشت، روزیوس (۳۸۵-۴۲۰ میلادی) بود، که اعراب او را هروشیش نامیدند. تقسیمات او در مورد اندلس مورد استفاده مسلمانان قرار گرفت.

تقسیم بندی آثار جغرافیایی اندلس

آثار جغرافیایی اندلس را می توان به چندین دسته تقسیم بندی کرد. بیشترین آثار نویسندگان اندلس در دو موضوع «مسالک و ممالک» و «سفرنامه» ای تألیف گردید. در کنار این دو روش، توجه به هفت اقلیم و معجم نویسی و عجایب و غرایب و همچنین تهیه نقشه های جغرافیایی را از نظر دور نداشته اند.

برخی از شخصیت های این مقاله را به عنوان یک جغرافی دان نمی توان معرفی کرد؛ بلکه سفرها و فعالیت های جغرافیایی آنها در منابع دیگر آمده است. به عنوان نمونه می توان به یحیی الفزّال و مغرورین اشاره کرد. مؤلفین آثار جغرافیایی اندلس از منابع شرق نیز بهره برده اند که با مقایسه آنها متوجه میزان تأثیر پذیری آنها می شویم.

مسالک و ممالک

اولین گروهی که مورد بررسی قرار می گیرد، آثاری هستند که به شیوه مسالک و ممالک تألیف شده اند. علمای اندلس از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم به این شیوه نگارش توجه نمودند. اولین فردی که در این موضوع کتابی تألیف کرد «ابوعبدالله محمد بن یوسف الوراق» (۲۹۳-۳۶۳هـ) می باشد. او در دربار حکم المستنصر به فعالیت های علمی می پرداخت و برای خلیفه کتاب بزرگی به نام «مسالک افریقیه و ممالکها» تألیف کرد. همچنین در اخبار ملوک افریقیه و جنگ های آنها و غلبه کنندگان بر آنها کتاب دیگری به نگارش درآورد. به لحاظ اطلاعات جامعی که در مورد شهرهای شمال افریقا داشته، به دستور خلیفه آثار جغرافیایی را در مورد این شهرها تألیف نمود. ابن عذارى و بکری از کتاب محمد بن یوسف استفاده بسیار بردند. در حقیقت

شیوه تألیف رازی مورد تقلید نویسندگان دوره های بعد قرار گرفت و موقعیت او در اندلس همچون ابن حوقل و مقدسی در شرق می باشد.^۹

سومین فرد از این خانواده، عیسی بن احمد محمد بن موسی رازی است که دو کتاب در تاریخ اندلس به نام های «تاریخ اندلس» و «حجاب خلفاء الاندلس» داشته است. متأسفانه هردو اثر وی از بین رفته اند^{۱۰} و بیش از این اطلاعی نداریم.

از نویسندگان قرن پنجم که در این زمینه اثری را تألیف نموده است، «احمد بن عمر بن انس» (۳۹۳-۴۷۸) معروف به «العذری» است.

العذری را با نام «ابن الدلایی» می شناختند. او به همراه پدرش به مکه سفر کرد و از استادان این شهر بهره برد و مدت ۱۰ سال در کنار مسجد الحرام به تحصیل علم پرداخت و چندین اثر در مکه تألیف نمود.^{۱۱} در منابع هیچ اشاره ای به اینکه العذری به جغرافیا پرداخته است، نشده است و تنها او را فردی معرفی کرده اند که به حدیث می پرداخته، اما ادیسی و یاقوت از او به عنوان یک جغرافی دان یاد کرده اند.^{۱۲} اثر جغرافیایی عذری که یاقوت از آن نام می برد «نظام المرجان فی المسالک و الممالک» می باشد.^{۱۳}

بخشی از این اثر توسط دکتر عبدالعزیز الاهوانی در مرکز مطالعاتی اسلامی مادرید تصحیح و چاپ شده است. در این چاپ به ایالت های تدیر، بلنسیه، سرقسطه، و شقه، قرطبه، البیره، اشبیلیه، لبله، شدونه و الجزیره الخضراء می پردازد. مؤلف در توصیف این ایالت ها به موضوعات تاریخی نیز توجه داشته و به احمد بن محمد رازی و پسرش عیسی اعتماد کرده و حوادث و مطالب تاریخی را پس از آنها تا روزگار خود ادامه داده است.

عذری در هر فصلی، یکی از کوره های اندلس را توصیف می کند و یک یک شهرهای آن کوره ها را شرح می دهد و اهتمام ویژه ای به راه ها و مسافت ها و محله ها دارد و مسافت ها را به دقت ذکر می کند. توصیف عذری به روش مسالک و ممالک می باشد. او به عجایب و غرایب نیز توجه دارد؛ ولی این موضوع را با توصیف جغرافیایی، مختلط نمی کند. این کتاب یکی از مآخذ اصلی اثر شاگردش بکری بوده است^{۱۴} و ادیسی و زکریای قزوینی و همچنین حاجی خلیفه در مقدمه جهان نما از آن بهره برده اند.^{۱۵}

بزرگ ترین جغرافی دان اندلس «ابوعبیدالله البکری» (۴۰۵-

۴۷۸) است. او در شهر شالطیش متولد شد و در قرطبه رشد کرده، به تحصیل علم پرداخت. اهمیت ادبی او باعث شد تا معاصرانش وی را مورد تحسین قرار دهند.^{۱۶} از بین آثارش دو کتاب در مورد جغرافیا است: «المسالک و الممالک» و «معجم ما استعجم من اسماء الامکنه و البقاع». آنچه در اینجا مورد نظر ما است، المسالک و الممالک وی است. تمامی این اثر باقی نمانده، بلکه بخش هایی از آن در کتابخانه های مختلف دنیا، به صورت خطی باقی مانده است. قسمتی از المسالک و الممالک به جغرافیا و بخش هایی نیز به موضوعات تاریخی و تمدنی اختصاص دارد. بکری ابتدا از هند شروع می کند و سپس چین و ایران را مورد بررسی قرار می دهد. پس از آن از روم بحث می کند. این بخش را از اوروزیوس گرفته است. بلاد صقالیه و روس در ادامه کتاب مورد بررسی قرار گرفته و سخشن را با جلالقه به پایان برده است. بخش های دیگری از این کتاب به صورت خطی در کتابخانه های مختلف دنیا باقی مانده؛ از جمله در کتابخانه قرویین فاس بخشی موجود می باشد که به جغرافیای ایران و مصر و مغرب و قسمتی از توصیف اندلس می پردازد. قسمت دیگری از نسخه خطی آن به توصیف جغرافیای شام و

۹. گزناس، تاریخ الفکر الاندلسی، ص ۱۹۷-۱۹۸.

۱۰. همان، ص ۱۹۸.

۱۱. الضبی، بغیة الملتس، ص ۱۸۲-۱۸۳؛ ابن بشکوال، الصله قاهره، دارالمصریه، للترجمه و التألیف، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۱۵-۱۱۷، حمیدی، جذوه المقتبس، ص ۱۲۷-۱۳۰.

۱۲. ادیسی، نزهة المشتاق فی اختراق الاناق، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵، یاقوت، معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۱۹، ذیل المریه.

۱۳. الحموی، یاقوت، معجم البلدان، تصحیح فرید عبدالعزیز الجندی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۵، ص ۱۴۰ ذیل المریه.

۱۴. کراچکوفسکی، تاریخ الادب الجغرافی المری، ج ۱، ص ۲۷۴.

۱۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۵۱۲.

۱۶. ابن بسام، الذخیره فی محاسن اهل الجزیره، تصحیح سالم مصطفی البدری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۲، ص ۱۴۴، ابن الأبار: الحلة السیراء، تصحیح حسین مونس، قاهره، الشركة العربیة، ص ۳۷۲-۳۷۳، ابن بشکول الصله.

۱۷. آثار بکری را سیوطی در بغیة الوهابة صفحه ۲۸۵ ذکر کرده است.

است که در جای خود در این مورد به تفصیل بحث خواهیم کرد. متأسفانه تعدادی زیادی از آثار وی از بین رفته است.

از بین آثار باقی مانده، چهار رساله از ابن خطیب موجود است که به موضوعات جغرافیایی اختصاص دارد. این رسایل توسط دکتر احمد مختار العبادی با عنوان «مشاهدات لسان الدین بن خطیب فی بلاد المغرب والاندرلس» چاپ شده است. رساله اول و چهارم به شیوه سفرنامه نویسی است. رساله دوم مقایسه‌ای بین شهر سلا و مالقه است و تنها رساله سوم به روش مسالک و ممالک است.

اهمیت این رساله از سایر رساله‌های دیگر بیشتر است. عنوان آن «کتاب معیار الاختیار فی ذکر المعاهد والدیار» است. مؤلف آن را به دو مجلس تقسیم کرده است.

مجلس اول اختصاص به شهرهای اندلس و مملکت غرناله در نیمه دوم قرن هشتم هجری دارد و در آن ۳۵ شهر از اندلس را که در آن زمان در دست مسلمانان بوده، شرح کرده است. ویژگی خاصی که ابن خطیب در نوشته‌هایش دارد، استفاده از کلمات مسجع است. با این کار به نوشته خود زیبایی و لطافت خاصی می‌بخشد. ابن خطیب بدقت در مورد هر شهر و منطقه‌ای توضیح می‌دهد. شاید بتوان گفت توضیحات او از این شهرها در سال‌های ۷۶۰ تا ۷۶۳ که این اثر را تألیف نموده است، بی‌نظیر باشد. حس وطن پرستی ابن خطیب در شرح و توضیح شهرهای غرناله متجلی می‌شود. ۲۳

مجلس دوم از این رساله به شهرهای مغرب پرداخته و ۱۶ شهر از مغرب را با شرح و بسط بیشتری نسبت به اندلس آورده

۱۸. مونس، حسین، تاریخ الجغرافیا والجغرافیین فی الاندرلس، ص ۲۳۶-۲۳۷ و نیز مراجعه شود به پاورقی الحلة السیراء، ص ۱۶۸-۱۶۹.

۱۹. به عنوان نمونه به توصیف برقه که توسط یاقوت ارائه شده مراجعه شود، چاپ دارالکتب العلمیه، ج ۱، ص ۴۴۳ و نیز بیان المغرب ابن عذاری، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۲. در بحث به قدرت رسیدن فاطمیان ابن ابار از المسالک والممالک بکری استفاده کرد. ر. ک: الحلة السیراء، ص ۴۲۵ و همچنین ابن فضل الله العمری: مسالک الابصار فی ممالک الامصار، تصحیح احمد زکی پاشا، قاهره، دارالکتب المصریه، ج ۱، ص ۲۹.

۲۰. مقری، نفع الطیب، ج ۱، ص ۱۸۸؛ پاشا، اسماعیل، هدیه العارفین، ج ۲، ص ۱۸۶، تصحیح رفعت بیکله.

۲۱. این بخش در مجله معهد المخطوطات العربیه، قاهره، ۱۳۷۵ هجری چاپ رسیده است.

۲۲. مقری، نفع الطیب، ج ۱، ص ۱۲۴ و ۲۷۹-۲۷۱ و ج ۲، ص ۷ و ۱۴.

۲۳. العبادی، احمد مختار، مشاهدات لسان الدین بن خطیب، مطبوعه جامعه الاسکندر، ۱۹۸۵، ص ۹۷-۹۶.

جزیره العرب می‌پردازد. ۱۸

در حقیقت کتاب المسالک و الممالک بکری که متأسفانه فقط بخش‌هایی از آن باقی مانده، وسیع‌ترین کتاب در این زمینه می‌باشد که در حدود ۲۶۰ هـ تألیف شده و به جغرافیای تمام عالم اسلام پرداخته است. ویژگی خاص بکری توجه به بیان وقایع تاریخی است که با دقت و توصیف کامل می‌آورد. هدف بکری از تألیف این اثر، پاسخ دادن به نیازهای اداری بود. این اثر مورد استفاده جغرافی دانان دوره‌های بعد قرار گرفته است. ۱۹ کتاب معجم ما الاستعجم پس از این مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در قرن ششم هجری کتابی به شیوه مسالک و ممالک تألیف شد. با عنوان «فرحة الانفس» نویسنده این اثر «محمد بن ایوب بن غالب فرناطی» است. او از دانشمندانی است که برای اندلس فواید بسیاری داشته، اما کمتر شناخته شده است. فرحة الانفس از دو قسمت تشکیل شده. جزء اول در جغرافیای اندلس و خطط و به شیوه مسالک و ممالک با عنوان «فرحة الانفس للآثار الاولیه الی فی الاندرلس»^{۲۰} جزء دوم در اخبار گروهی از دانشمندان اندلس تحت عنوان «فرحة الانفس فی فضلاء العصر من اهل الاندرلس»^{۲۱} بخش جغرافیایی اندلس از کتاب احمد بن محمد رازی گرفته شده و تا حد زیادی با ترجمه‌های پرتغالی و اسپانیایی اثر رازی منطبق است.

ابن غالب بخش‌هایی از مقدمه رازی را آورده و به برخی از کوره‌ها اکتفا کرده و قسمت‌هایی را حذف کرده است و با این کار بخش‌هایی از کتاب رازی را برای ما حفظ نموده است. اثر ابن غالب مورد استفاده نویسندگان سده‌های بعد، به ویژه مقری قرار گرفته است. ۲۲

یکی از محققان و مؤلفان بزرگ قرن هشتم «لسان الدین بن خطیب» (۷۱۳-۷۷۶) است که در مورد زندگی و آثارش در پایان الاحاطه بحث مفصلی شده است. ابن خطیب را باید آخرین فردی شمرد که در موضوع مسالک و ممالک، رساله‌ای تألیف نموده است. بیشتر مطالب جغرافیایی او در مورد سفرهایی است که انجام داده و جغرافیای غرناطه برای او اهمیت ویژه‌ای داشته

است. ۲۴ گویا در زمانی که وی مشغول تألیف این رساله بوده، در شهر سلا و تحت نظارت سلطان مغرب قرار داشته است. او با این رساله توجه همگان را به شهرهای در حال سقوط اندلس و هجرت اهالی آنها به شهرهای مغرب جلب نمود. به هر حال این رساله ابن خطیب، آخرین اثر جغرافیایی است که در اندلس تألیف شد.

سفرنامه

اندلس به لحاظ دوری از سایر کشورهای اسلامی و همچنین مسافتی که تا حجاز و شهرهای مقدس مکه و مدینه داشت همچنین موقعیت علمی پایین تر نسبت به شهرهای مصر و شام و ایران، باعث شده بود که طالبان علم تمایل شدیدی به مسافرت به شرق پیدا کنند. سفرنامه‌های باقی مانده، اطلاعات ذی قیمتی از زندگی، آداب و رسوم، استادان و مراکز علمی و سایر ویژگی‌های شهرهای شرق عالم اسلام در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

در کنار سفرنامه‌هایی که به شرق پرداخته، سفرنامه‌های دیگری به وجود آمد که موضوع اصلی آنها کشورهای اروپایی بود. برخی از این سفرها مأموریت سیاسی بوده است.

اولین فردی که اخبار سفر او به اسکاندیناوی و کشور دانمارک فعلی در منابع آمده است، «یحیی بن حکم بکری» (۱۵۳-۲۵هـ) معروف به «غزال» است. او را به جهت زیبایی، غزال نامیده‌اند.

آنچه باعث شهرت وی شده است سفارت‌هایی است که در زمان عبدالرحمن دوم داشته است. اندلس در سال ۲۳۰هـ شاهد حمله نورمان‌ها از مناطق شمالی به شهر اشبیلیه و غارت این شهر بود. عبدالرحمن با نیروهایش به دفاع از شهر برخاست و پس از مدتی آنها را شکست داده، وادار به بازگشت نمود. ۲۵ پس از شکست نورمان‌ها، افرادی را نزد عبدالرحمن فرستادند و از او درخواست صلح نمودند. عبدالرحمن، یحیی الغزال را به جهت اینکه به چند زبان آشنایی داشت و از فصاحت و بلاغت برخوردار بود، مأمور این سفارت نمود.

سفر غزال به سوی جزایر نورمان‌ها از طریق اقیانوس اطلس و با کشتی صورت گرفته است. غزال به محل سکونت نورمان‌ها در دانمارک فعلی رفته و مورد استقبال پادشاه آن قرار گرفت. برخی از محققین جدید نام پادشاه نورمان‌ها را «تورجایوس» که نام عمومی پادشاهان آنها بوده ذکر کرده‌اند. ۲۶ نورمان‌ها همگی مسیحی بودند و تنها تعداد اندکی از جزایر آنها، آتش پرست بودند. داستان ملاقات غزال و همسر پادشاه نورمان‌ها در منابع

به تفصیل آمده است.

غزال پس از انجام مأموریت سیاسی اش به سوی اندلس حرکت کرد. نورمان‌ها تا سنت یعقوب با او همراهی کردند و غزال از این شهر به قشقاله و از آنجا به طلیطله مسافرت کرد و پس از گذشت بیست ماه نزد عبدالرحمن بازگشت و نامه پادشاه نورمان‌ها را به عبدالرحمن داد. ۲۷ مسیر بازگشت وی از دریای شمال و از طریق مرزهای شمالی اندلس بود.

غزال در زمان عبدالرحمن به سفر دیگری نیز اعزام شد: این سفارت به قسطنطنیه و دربار روم شرقی بود. اخبار این سفارت را ابن حیان در المقتبس و برخی منابع دیگر آورده‌اند. چگونگی انجام این سفارت و مسیر سفر به قسطنطنیه، به درستی مشخص نیست؛ تنها موضوعی که مورد توجه مورخان قرار گرفته، اشعاری است که غزال در وصف همسر امپراطور سروده است! این مأموریت با موفقیت به انجام رسید و غزال با هدایای امپراطور روم، نزد عبدالرحمن بازگشت. ۲۸

غزال در اندلس، زریاب را که از نزدیکان خلیفه بود، مورد هجو قرار داد و در اثر همین هجو از اندلس به عراق تبعید شد. از این سفر غزال و دوران تبعید وی مطلبی در منابع نیامده است. ۲۹

۲۴. رساله دوم در کتاب مشاهدات لسان الدین ابن خطیب، ص ۶۹-۱۱۵ آمده است.

۲۵. در مورد حمله نورمان‌ها به اشبیلیه لطفاً مراجعه شود به: ابن عذاری، البیان المغرب، ج ۲، ص ۸۸-۸۹؛ مقری، نفع الطیب، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۴؛ ابن خلدون، العبر، ج ۴، ص ۱۲۹.

۲۶. حمیده، عبدالرحمن، اعلام الجغرافیین العرب، ص ۱۶۷ و کراچوکوفسکی، تاریخ الادب الجغرافی العربی، ص ۱۳۶.

۲۷. کامل ترین شرح را از این سفارت ابن دحیه (م ۶۳۳) در «المطرب من اشعار اهل المغرب» تصحیح ابراهیم ایباری و دکتر حامد عبدالمجید اداره نشر التراث القديم، قاهره، ۱۹۹۳، ص ۱۳۸-۱۴۷ همچنین منابع دیگری از جمله: ثعالی، یتیمه الدهر، ج ۲، ص ۵۶ و ابن عذاری، البیان المغرب، ج ۲، ص ۹۳، و حمیدی، جلوة المقتبس، ص ۳۵۲ و ابن خلدون، العبر، ج ۴، ص ۲۸۲.

۲۸. مقری، نفع الطیب، ج ۳، ص ۲۵-۲۶، ابن حیان، المقتبس، ج ۲، ص ۱۹۴، گزالس، تاریخ الفکر الاندلسی، ص ۵۶-۵۷.

۲۹. ابن دحیه، المطرب، ص ۱۴۸-۱۵۰.

گونه ای که مطالبش مورد استفاده جغرافی نویسان سده های بعد قرار می گیرد. ۲۳

یاکوب یکی از مستشرقینی است که در مورد ابراهیم بن یعقوب تحقیقات زیادی انجام داده. او با مقایسه قزوینی و بگری به این نتیجه رسیده است که دو شخصیت عربی به آلمان سفر کرده اند. وی معتقد است که در یک زمان دو نفر به صورت جداگانه به دربار اوتوی اول اعزام شدند؛ اولی از طرف فاطمیان است که از شمال آفریقا و از راه دریا به طرف ایتالیا و جنوب آلمان رفت و دیگری از طرف خلیفه قرطبه از اندلس به محاذات اقیانوس اطلس و دریای شمال حرکت کرد و به دریای ماینتس رسید. با این دو سفارت دو نفر همراه بوده اند و هر کدام سفرنامه ای بر جا نهاده اند و نام هر دو ابراهیم بوده است. ۲۴

پایه گذاری واقعی سفرنامه نویسی «محمد بن عبدالله محمد بن عبدالله بن احمد بن عربی» (۴۶۸-۵۴۳ هـ) می باشد. ابن عربی در اشبیلیه متولد شد و در هفده سالگی از اشبیلیه به طرف شمال آفریقا مسافرت کرد. از شمال آفریقا به مصر و بیت المقدس و شهرهای فلسطین و شام سفر کرده و در حدود سال ۴۹۰ هـ به بغداد وارد شد. در طول سفر از محضر علمای هر شهری بهره می برد. سفر او به مکه، دو سال به طول انجامید. در مسیر بازگشت نیز از همان شهرها و مناطق که گذشته بود، عبور کرد و به اشبیلیه بازگشت و تا آخر عمرش به تدریس و تألیف مشغول گردید. ۲۵

ابن عربی سفرنامه اش را به نام «ترتیب الرحله للترغیب فی الملله» نوشت. این سفرنامه اولین اثر جغرافیایی از این نوع در

۳۰. ادریس، نزهة المشتاق، ج ۲، ص ۵۴۸ و غرناطی، تحفة الالباب، ص ۸۶.

۳۱. کراچوکوفسکی، تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام، ص ۱۱۰.

۳۲. حمیده، عبدالرحمن، اعلام الجغرافیین العرب، ص ۲۸۹، مجله مشکوه، ش ۶۲-۶۵، سال ۱۳۷۸ مقاله حضور مسلمانان در قاره امریکا پیش از کریستف کلمب تألیف محمد عبدالجبار ترجمه محمدتقی اکبری، ص ۱۰۵ گرچه این نظریه توسط برخی محققان عنوان شده اما به نظر می رسد در آن مدت نمی توانستند اقیانوس اطلس را طی کنند و این جزایر باید جزایر نزدیک اندلس همچون جزایر قناری باشد.

۳۳. به عنوان نمونه به توصیف حمیدی از شهر لورقه که به نقل از ابراهیم بن یعقوب است، مراجعه کنید. ر. ک: الروض المعطار، ص ۵۱۲.

۳۴. کراچوکوفسکی، تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام، ص ۱۵۴-۱۵۵.

۳۵. برای شرح کامل زندگی ابن عربی مراجعه شود به «العواصم من القواصم فی تحقیق مواقف الصحابه بعد وفات النبی (ص)» تألیف ابن عربی، قاهره، ۱۳۷۱، تصحیح مجب الدین خطیب، ص ۱۰-۲۶.

غزال پس از بازگشت به اندلس به سرودن شعر روی آورد و در سال ۲۵۰ هـ فوت کرد. یکی از سفرهای دیگری که اخبارش در منابع آمده سفری است که به «مغرورین» معروف شده است. ادریسی در مورد آنها می نویسد: در قرن سوم هجری هشت جوان پسرعمو که بعدها به مغرورین معروف شدند، از شهر لشبونه خارج شدند و سوار بر کشتی وارد دریای ظلمات گردیدند، تا آنچه را که در دریا است، پایان آن را بشناسند. مدت یازده روز با بادهای شرقی در دریا رفتند و به دریایی رسیدند که موج های عظیمی داشت. سپس دوازده روز به سوی جنوب کشتیرانی کردند تا به جزیره ای به نام جزیره الغنم رسیدند. در این جزیره، گوسفندی گرفتند و ذبح کردند. گوشت آن را تلخ یافتند و هیچ کس نتوانست از آن گوشت بخورد. پس از آن به جزیره دیگری رسیدند. فرمانروای جزیره آنها را با چشم بسته به قاره فرستاد که پس از سه روز و سه شب به آنجا رسیدند و از بربرها شنیدند که در جنوب مراکش هستند و تا شهرشان دو ماه راه است. در محل پیاده شدنشان بعدها بندر آسفی ساخته شد. ۳۰

گرچه اخبار این سفر تا حدودی آشفته است، اما برخی محققان معتقدند جزیره اولی که در اخبار سفر آمده، جزیره مادیره و دومی یکی از جزایر قناری است. ۳۱ علامه مصطفی شهابی، ساحلی را که مغرورین در آن پیاده شدند، یکی از جزایر آمریکای جنوبی در دریای کارائیب می داند. ۳۲

در قرن چهارم سفرنامه ای به اروپا، توسط یکی از علمای یهودی معاصر المستنصر، به نام «ابراهیم بن یعقوب» تألیف شد. سفرنامه ابراهیم به آلمان و شرق اروپا و بلاد صقالبه نوشته شده است. او در سال ۳۵۴ به جنوب آلمان سفر کرده و در ماگدبورگ به ملاقات امپراتور اوتو رفت و اطلاعات وسیعی از امیرنشین های صقلاب اروپای قرون وسطی ارایه می دهد و از چهار امیرنشین بلغارستان، لهستان، چک و ناگون سخن رانده است. همچنین از برخی شهرهای ساحلی یا نزدیک ساحل فرانسه و هلند و آلمان، توضیحات مفصلی را ارایه می کند. ابراهیم بن یعقوب به اندلس و جغرافیای آن آشنایی داشته؛ به

اندلس می باشد. ۳۶ متأسفانه اصل کتاب باقی نمانده، اما در منابع دیگری می توان بخش هایی از این کتاب را یافت. در زمان مؤلف خلاصه ای از آن به نام مختصر ترتیب الرحله ۳۷ تهیه شد. مقری از این اثر به نیکی یاد می کند و برخی توضیحات ابن عربی در مورد قبة الصخره، مسجدالاقصى، مدینة السلام، مکه و برخی استادان و توصیف مناطق و شهرهای مختلف را از آن گرفته است. ۳۸

معاصر با ابن عرب، جغرافی دان دیگری به نام «ابوحامد غرناطی» (۴۷۳-۵۶۵هـ) ظهور کرد که سفرهای او به مراتب بیشتر و گسترده تر از ابن عربی است. ابوحامد غرناطی در شهر غرناطه متولد شده و در اقلیش رشد کرد. پس از آنکه مدتی به فراگیری علم مشغول بود، در سال ۵۰۸هـ سفری به شرق نمود. او ابتدا به اسکندریه و سپس به قاهره مسافرت نمود و در آنجا از برخی علمای شهر استماع حدیث نمود و پس از مدتی به وطنش بازگشت. ۳۹ غرناطی برای بار دوم به جمع آوری توشه پرداخت و در سال ۵۱۱هـ اقدام به سفر نمود و در سفر دوم از جزیره سردانیه و سیسیل عبور نموده و سپس به اسکندریه و قاهره سفر کرد. ۴۰ ما نمی دانیم که آیا او به وطنش بازگشته و برای بار سوم اقدام به سفر نموده یا از همین سفر به سوی مشرق رفته است. از روایت مقری برمی آید که غرناطی در سال ۵۱۶هـ در بغداد بوده ۴۱ و چهار سال در این شهر اقامت داشته است. در بغداد مورد عنایت و توجه وزیر ادیب و فقیه یحیی بن هبیره قرار داشت و برای کتابخانه او کتاب «المغرب عن بعض عجائب المغرب» را نوشت و سپس به سوی شرق سفر نمود. او در سال ۵۲۴هـ به ایران دید و سپس از دریای قزوین عبور کرده و به سخسین بر ساحل رود ولگای اوسط رسید و در سال ۵۳۰هـ به بلاد ولگای ادنی وارد شد. پس از پانزده سال در ۵۴۵هـ به بلاد مجار رفت و در ۵۵۳هـ به سخسین بازگشته و خوارزم را در ۵۵۴ دید. از این شهر برای ادای حج در سال ۵۵۵هـ به حجاز رفت. پس از انجام مراسم حج، به بغداد سفر کرده، پناهنده ابن هبیره گردید. در ۵۵۷ از موصل دیدن کرد و از آنجا متوجه حلب گردید. دمشق آخرین شهری است که به آن مسافرت کرد و در این شهر در سال ۵۶۵هـ فوت کرد. ۴۲

اثر مهمی که از غرناطی باقی مانده «تحفة الالباب ونخبة الاعجاب» می باشد. این اثر را غرناطی براساس عجایب و غرایب نوشته است؛ لذا قزوینی از آن استفاده فراوانی برده است. ۴۳

گرچه در این اثر مسیر، مسافرت غرناطی دقیقاً ضبط نشده، اما از روی سال ورود به هر شهری می توان مسیر مسافرت او را فهمید. ۴۴ مطالب جغرافیایی تحفة الالباب بسیار ضعیف است. یک سوم کتاب مطالبی است که خود شخصاً دیده است، مسلمانان در مجارستان و بلغار و حوزه رود ولگا و قبایل قفقاز مورد توجه خاص او قرار داشته است. ۴۵ این اثر غرناطی در قرن ششم توجه همگان را به خود جلب کرد؛ مخصوصاً اینکه از مناطقی بحث کرده بود که کمتر مسلمانی به آنجا رفته بود.

اوج سفرنامه نویسی اندلس را باید در اثر «ابن جبیر» (۵۴۰-۶۱۴هـ) دید. ابن جبیر در سال ۵۴۰ در شهر بلنسیه یا شاطبه متولد شد. نسبتش به مردی که از پیشقراولان بلج بن بشر بود، می رسد. ابن جبیر پس از تحصیلات مقدماتی به غرناطه رفت و در کنار پدرش به خدمت موحدین مشغول شد. چون در لغت و ادبیات و فقه و سروردن شعر علم وسیعی داشت، جایگاه والایی نزد ابوسعید به دست آورد. ۴۶

امیر ابوسعید بن عبدالمؤمن از امیران موحدی از ابن جبیر خواست تا کتابی برای او درباره شراب بنویسد و باده شرابی را به او داد؛ اما وی نپذیرفت. ابوسعید اصرار کرد تا وی را وادار به خوردن شراب نماید و به او اموالی را داد که ابن جبیر تصمیم گرفت با این اموال به سفر حج برود. ۴۷

۳۶. کراچوکوفسکی، تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام، ص ۲۴۱.
۳۷. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مقاله ابن عربی، ج ۴، ص ۲۲۵.
۳۸. مقری، نفع الطیب، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۴۴.
۳۹. همان، ج ۳، ص ۵.
۴۰. حمیده، عبدالرحمن، اعلام الجغرافیین العرب، ص ۳۶۸.
۴۱. مقری، نفع الطیب، ج ۳، ص ۵۰۵.
۴۲. حمیده، عبدالرحمن، اعلام الجغرافیین العرب، ص ۳۶۸.
۴۳. قزوینی، عجایب المخلوقات، تصحیح نصرالله سبوحی، صفحات ۱۳۱-۱۳۶، ۱۴۶، ۱۸۲ و ۲۳۶.
۴۴. غرناطی، ابوحامد، تحفة الالباب، تصحیح گابریل، فران چاپ فرانسه، ۱۹۲۵، ص ۳۳۶ به بعد و ۱۱۶-۱۱۷.
۴۵. همان، ص ۲۳۶.
۴۶. مقری، نفع الطیب، ج ۳، ص ۱۴۳-۱۴۴.
۴۷. حمیده، عبدالرحمن، اعلام الجغرافیین العرب، ص ۴۰۹.

پس از شریش در نیمه دوم قرن هفتم با سفرنامه ای به نام «الرحله المغربیه» تألیف «محمد بن محمد بن علی العبدری» روبرو می شویم. عبدری در سال ۶۸۸ هـ به همراه پسر خردسالش به سوی شرق سفر کرد و در شهرهای بزرگ شمال افریقا توقف های طولانی نموده، از مصر با کاروان حج عازم مکه شد و سپس از راه فلسطین به سوی مصر بازگشت و مدتی در قاهره و اسکندریه بود و از راه تلمسان، فاس و مکناس عبور کرده تا به ساحل اقیانوس اطلس رسید و در آنجا به خانواده اش پیوست. عبدری توصیف دقیقی از مواضع و محل های جغرافیایی و آثار قدیم و اخلاق مردم محلی ارائه می دهد. در واقع او ادامه دهنده راهی است که ابن عربی در سفرنامه نویسی شروع کرده بود. اسلوب زیبا و توجه به تمامی جوانب زندگی مردم، باعث شده تا این اثر مورد توجه مردم محلی قرار گیرد.^{۵۲}

در قرن هشتم سفرنامه دیگر توسط «ابن الحاج غرناطی» (۷۱۳- متوفی بعد از ۷۶۸) تألیف گردید. این سفرنامه همچون آثار قبلی سفر به شرق بود. ابن الحاج غرناطی در سال ۷۳۴ سفر خود را آغاز نمود و به حجاز رفته و حج به جای آورد و سپس به افریقیه بازگشت و نزد برخی از سلاطین خدمت نمود و در بجایه سفرنامه اش را تدوین نمود. او مدتی در خدمت ابوعنان بود و پس از فوت او به اندلس رفت. مقری نسخه ای از رحله ابن الحاج را در اختیار داشته و آن را توصیف می کند.^{۵۳}

پیش از این از رسایل جغرافیایی ابن خطیب بحث شد. او رساله اول و چهارم را به شیوه سفرنامه ای تألیف کرده است. عنوان رساله اول «خطرة الطیف فی رحلة الشتاء والصیف» می باشد.

ابن خطیب در این رساله به توصیف سفرش به همراه سلطان ابوالحجاج یوسف بن نصر می پردازد. این سفر در اندلس اتفاق افتاده و در ۱۷ محرم ۷۴۸ شروع شد.^{۵۴} سفر او به سوی وادی آتش و بسطه و پس از آن به برشانه بوده است. ابن خطیب در این

۴۸. پاشا، اسماعیل، هدیه العارفين، ج ۲، ص ۱۰۹.

۴۹. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به «الرحله ابن جبیر» چاپ بغداد، ۱۹۳۷ م.

۵۰. ابن خطیب، الاحاطه، ج ۲، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۵۱. سیوطی، بغية الوعاة، ص ۱۴۳ و مقری، نفع الطیب، ج ۲، ص ۲۶۸.

۵۲. حمیده، عبدالرحمن، اعلام الجغرافیین العرب، ص ۲۹۶-۲۹۷ و ۵۰۱-۴۹۸ و کراچوکوفسکی، تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام، ص ۲۸۸-۲۸۹.

۵۳. مقری، نفع الطیب، ج ۸، ص ۲۹۱ و ۲۹۳؛ منجد، صلاح الدین، المشرق فی نظر المغاربه والاندرلس فی القرون الوسطی، ص ۴۷ و ۴۸.

۵۴. العبادی، احمد مختار، مشاهدات لسان الدین بن خطیب، ص ۲۶.

ابن جبیر سه بار به شرق سفر کرد. سفر اول او در سال ۵۷۸ هـ از غرناطه شروع شد و اسکندریه و شام و عراق و جزیره را دید و سفرنامه ای که از او باقی مانده با نام «الرحله الکنانی» شرح همین سفر است.^{۴۸} او در طول سفر دقت خاصی در ضبط تاریخ ورود به هر شهر داشت و به مزارها و مکان های مقدس توجه ویژه ای نمود. هدفش از این سفر رسیدن به حجاز و انجام مراسم حج بود. ابن جبیر در زمانی به این مسافرت رفت که صلیبیان در شام بودند و مشاهدات وی از شهرهای شام منبع بسیار خوبی برای شناخت وضعیت شهرهای شام در آن مقطع زمانی است.

در مسیر بازگشت، از شهر صور با کشتی به سوی اندلس حرکت کرد. کشتی او در نزدیکی سیسیل شکسته شد و مسافران آن توسط گیوم پادشاه سیسیل نجات یافتند. ابن جبیر از شهرهای سیسیل گزارش هایی جالب توجه ارائه می دهد، و در سال ۵۸۱ هـ به اندلس بازگشت.^{۴۹} ابن جبیر از سال ۵۸۵ تا ۵۸۷ سفر دومش را به شرق انجام داد. این سفر که پس از شنیدن خبر فتح بیت المقدس به دست صلاح الدین بود، از نظر علمی برای او اهمیت خاصی داشت.

بار سوم پس از مرگ همسرش عاتکه به حج رفت و پس از اقامت طولانی در مکه به بیت المقدس و مصر و اسکندریه سفر کرد و تا پایان عمرش در اسکندریه به تحصیل و تدریس اشتغال داشت.^{۵۰} از سفر دوم و سوم اطلاع چندانی در اختیار نداریم. سفرنامه ابن جبیر از زیبایی و روانی خاصی برخوردار است و در حقیقت سفرنامه او را می توان بهترین اثر در این زمینه در اندلس به شمار آورد.

همزمان با ابن جبیر «ابوالعباس احمد الشریشی» (در گذشته به سال ۶۱۶ یا ۶۱۹ هـ) برای تحصیل علم به مشرق سفر کرد. در منابع اسمی از سفرنامه وی نیامده و آثاری که از او یاد شده، بیشتر در مورد موضوعات ادبی و فقهی است؛^{۵۱} اما با مراجعه به نفع الطیب مقری اشعاری را از شریشی می یابیم که می توان حدس زد او در هر سال به کدام شهر سفر نموده است. شریشی در پایان عمرش به موطنش شهر شریش بازگشت.

گزارش به مشاهده مقابر و محل هایی که در طول راه باعث جلب توجه او می شده است، پرداخته است. او در زمانی به این سفر رفته است که تعداد زیادی از شهرهای اندلس از دست مسلمانان خارج شده بود. لذا سفر او کوتاه شد و در ۸ صفر ۷۴۸ به پایان رسید.

متن سفرنامه مملو از لغات و اصطلاحات دشوار و پیچیده ادبی است و ابن خطیب با این شیوه نگارش هنر خود را در به نمایش گذاشته است. ۵۵

رساله چهارم «رحله لسان الدین بن خطیب فی بلاد المغرب» نام دارد. چنان که از نامش پیداست در مورد سفر به مغرب و اطراف کوه های اطلس غربی است که معروف به کوه هتاته است. به جهت موقعیت خاص این قبیله، ابن خطیب به آنجا سفر کرد و گزارشی از این قبیله فراهم نمود. بیشترین بخش سفرنامه مربوط به مشاهدات مستقیم مؤلف است و موضوعات تاریخی اهمیت بیشتری نسبت به موضوعات جغرافیایی دارد. توضیحات ابن خطیب از اغمات و تقسیمات آن دارای ارزش و اهمیت زیادی است. در این رساله نیز همچون رسایل دیگر، ابن خطیب هنر نویسندگی خود را به کار می برد و از اصطلاحات و لغات مسجع برای زیبایی کلامش استفاده کرده است. ۵۶ تاریخ تدوین این سفرنامه در سال های ۷۶۰ تا ۷۶۳ است که ابن خطیب همراه سلطان مخلوع محمد الغنی بالله به مغرب گریخته بود، و یا در سال ۷۷۳ هـ که بار دیگر ابن خطیب به مغرب گریخته بود. رسایل ابن خطیب آخرین آثار سفرنامه ای اندلس می باشد.

معجم نویسی

در اندلس معجم های جغرافیایی بزرگی تصنیف شد که در تألیف معجم های بزرگ شرق همچون معجم البلدان تأثیر بسیاری داشته اند. نویسندگان این معجم ها با استفاده از آثار جغرافیایی و همچنین با اتکا به علم خود و مشاهدات مستقیم و بهره گرفتن از اطلاعات مردم بومی هر منطقه، اقدام به تألیف این آثار می کردند.

اولین معجم بزرگ جغرافیایی توسط «بکری» (۴۰۵-۴۷۸ هـ) تألیف شد. موقعیت علمی بکری مورد ستایش بسیاری از مورخان قرار گرفته است. ۵۷ اثر او با دو عنوان «معجم ما استعجم من اسماء الامکنه والبقاع» و «معجم ما استعجم من البلاد والمواضع» چاپ شده است.

بکری خود در مقدمه متذکر می شود که آنچه در مورد منازل، دیار، روستاها، کوه ها، آثار باستانی، آب ها و چاه ها از حدیث

و اخبار و تاریخ و اشعار وارد شده، براساس حروف معجم ذکر کند. او به جزیره العرب بیشتر از هر منطقه ای پرداخته است. ۵۸ بکری برای تألیف این اثرش نیاز به اطلاعات گسترده ای داشت و باید علاوه بر مطالب جغرافیایی از اخبار و کتاب های ادبی و احادیث و تاریخچه هر منطقه اطلاع کامل به دست می آورد. او کتابش را براساس حروف هجای مرسوم نزد اندلسی ها مرتب کرد و ترتیب مکان های جغرافیایی در هر بابی به ترتیب دو حرف اول و دوم کلمه است؛ بدون این که به حروف بعدی آن توجهی داشته باشد.

اثر بکری پس از تألیف معجم البلدان یاقوت از اهمیت افتاد و تحت تأثیر کتاب یاقوت قرار گرفت. بکری از منابعی استفاده کرده که امروزه در اختیار ما نیست، او را باید بزرگ ترین جغرافی دان که خدمت ارزنده ای به علم جغرافیا نموده است، بدانیم.

یکی دیگر از آثاری که به شیوه فرهنگنامه ای در اندلس گردآوری شده است، «الروض المعطار فی خبر الاقطار» تألیف ابو عبدالله محمد بن عبدالمنعم الحمیری (قرن هفتم) می باشد. حمیری تحت تأثیر بکری اقدام به تألیف این اثر نمود. حاجی خلیفه دو کتاب را با این عنوان نام می برد و یکی را مربوط به سال ۹۰۰ هجری می داند و تاریخ دیگری را ذکر نکرده است. ۵۹ پرونسال معتقد است دو متن از کتاب فوق وجود داشته که از لحاظ زمانی یکی پس از دیگری بوده است و دو مؤلف از خاندان حمیری به تألیف و تصنیف در این مورد پرداخته اند: یکی از آنها مربوط به قرن نهم و دیگری به قرن هفتم باز می گردد. با توجه به این که ابن خطیب از این اثر استفاده کرده،

۵۵. برای اطلاع از متن سفرنامه مراجعه شود به: مشاهدات لسان الدین بن خطیب، ص ۲۵-۵۳.

۵۶. لسان الدین بن خطیب، نفاضة الجراب فی هلاله الاخراب، تصحیح احمد مختار العبادی بغداد، دارالنشر المغربیه، ج ۲، ص ۴۳-۸۰ و مشاهدات لسان الدین بن خطیب، ص ۱۱۹-۱۵۶.

۵۷. ابن الابار، الحله السیراء، ص ۳۷۲-۳۷۳.

۵۸. بکری، معجم ما استعجم، تصحیح جمال طلبه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۱، ص ۵-۹۰.

۵۹. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۵۸۰.

مقایسه با سایر آثار جغرافیایی از ارزش علمی والایی برخوردار است. او به شمال آفریقا، آسیای صغیر، مناطق مختلف اندلس، شمال غربی فرانسه و جزیره سیسیل سفر کرد. ادیسی هر زمان روزه دوم به سیسیل سفر کرده و به خدمت او درآمد و به درخواست روزه کتاب نزهة المشتاق را تألیف کرد. ۶۷ از این رو اثر ادیسی به طور معمول با نام «کتاب رُجار» خوانده می شود. ۶۸ حتی به به درخواست او خلاصه ای از کتابش با عنوان «انس المهج وروض الفرج» تهیه نمود.

ادیسی برای تألیف کتابش زحمت فراوانی کشیده است. او در مقدمه از منابع مورد استفاده اش نام برده است. ۶۹ بیشتر توجه اش به آثار جغرافیایی و نجومی بوده و پس از بررسی آثار و سیر در زمین روش جدیدی در جغرافیای نوینی به وجود آورد. ادیسی بر اساس تقسیم به هفت اقلیم کتابش را تنظیم کرده و هر اقلیمی را به ده جزء تقسیم می کند و در ابتدا حدود هر جزء را ذکر می کند. این تقسیم بندی با زحمت زیادی انجام شده است. در مواردی بخش هایی از یک سرزمین در چند جزء از اقلیم مختلف آمده است. نزهة المشتاق در دو مجلد توسط چند تن از مستشرقین تصحیح و چاپ شده است.

اثر دیگری که به شیوه تقسیم به هفت تألیف شده «کتاب الجغرافیه و ما ذکرته الحکماء فیها من العماره و ما فی کل جزء من الغرائب والعجائب تحتوی علی الاقالیم السبعه و ما فی الارض من الامیال والفراسخ» تألیف «محمد بن ابوبکر الزهری» (متوفی قرن ششم) می باشد.

اطلاعات ما از زندگی زهری بسیار ناقص است، او با استفاده

۶۰. ابن خطیب، الاحاطه، قاهره، شرکه طبع الکتب العربیه، ج ۳، ص ۱۳۴-۱۳۵.

۶۱. حمیری، الروض المعطار، ص ۱ و ۲.

۶۲. به عنوان نمونه مقایسه شود نزهة المشتاق، ج ۲، ص ۵۴۵، ذیل شهر مارده با الروض المعطار، ص ۵۱۸ و ۵۱۹ و همچنین سایر شهرهای اندلس.

۶۳. مقایسه شود معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۳۴۴ با الروض المعطار، ص ۱۵۰ ذیل «ثمانین».

۶۴. مقایسه شود الرحله ابن جبیر، ص ۲۵۸ با الروض المعطار، ص ۱۹۸ ذیل «حمص».

۶۵. صفة جزیره الاندلس، منتخبه من کتاب الروض المعطار فی خبر الاقطار، تصحیح و گردآوری لویی پرونسال، قاهره، ۱۹۳۷.

۶۶. پاشا، اسماعیل، هدیه العارفین، ج ۶، ص ۹۴.

۶۷. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۱۶۳.

۶۸. ابن فضل الله العمری، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، ج ۱، ص ۱۹.

۶۹. ادیسی، نزهة المشتاق، ص ۵ و ۶.

لذا مطمئن می شویم که دو نسخه از این کتاب تألیف شده است. ۶۰ گرچه حمیری اثر خود را با ادیسی مقایسه کرده، اما ارزش کار او به هیچ وجه قابل مقایسه با ادیسی نیست.

حمیری در روض المعطار، به ترتیب حروف الفبا به شرح مواضع جغرافیایی پرداخته و مسافت های بین شهرها را ذکر کرده. ۶۱ او از آثار جغرافیایی شرقی اطلاعات اندکی داشته و تنها منبع او، چند اثر جغرافیایی اندلس بوده است با مقایسه روض المعطار و نزهة المشتاق ادیسی متوجه می شویم که تقریباً تمامی مطالب مربوط به شهرهای اندلس را از نزهة المشتاق گرفته است. ۶۲ علاوه بر این اثر، دو کتاب المسالک و الممالک و معجم ما استعجم بکری مورد استفاده فراوان حمیری قرار گرفته است. ۶۳ رحله ابن جبیر نیز از منابع حمیری شمرده می شود. ۶۴

در واقع اثر حمیری در مقایسه با سایر آثار جغرافیایی ارزش علمی زیادی ندارد. هنر او تنها در تنظیم و توصیف شهرها بر اساس حروف الفبایی است و از این جهت، باید او را آخرین مؤلف فرهنگنامه جغرافیایی در اندلس شمرد.

احسان عباس، چاپ کاملی از روض المعطار انجام داده و در هر موضعی منبع حمیری را ذکر کرده است. شهرهای اندلس در روض المعطار توسط لویی پرونسال به صورت جداگانه چاپ شده است. ۶۵

هفت اقلیم

توجه به هفت اقلیم در اندلس، باعث تألیف آثار گران سنگی گردید که در این آثار ابتکاراتی دیده می شود که در کتاب های مشرق وجود ندارد. یکی از بهترین آثاری که بر اساس هفت اقلیم نوشته شد، کتاب «نزهة المشتاق فی اختراق الافاق» تألیف شریف ادیسی» (۴۹۳-۵۶۰هـ) می باشد.

ادیسی اولین متخصص واقعی علم جغرافیا در اندلس می باشد و به جغرافیا جایگاه والایی بخشید. او از خانواده ادیبان علوی بود و مدت طولانی از عمرش را در سفر گذراند ۶۶ و برای تألیف کتابش، پانزده سال وقت مصرف کرد. اثر ادیسی در

از منابعی که در اختیارش بوده و همچنین نسخه‌ای از نقشه‌ی صوریه المأمونیه اثرش را تأیید نموده است. با توجه به مطالب الجغرافیه متوجه این مسئله می‌شویم که زهری مدت طولانی را در سفر گذرانده است و شهرهای مختلف اندلس را دیده و از اطلاعات کمی برخوردار بوده است. در ابتدای کتابش شرحی از جغرافیا و ویژگی‌های زمین و آب‌ها و عجایب و فرایب را آورده و سپس به اقلیم سبعة می‌پردازد و حدود هر اقلیم را مشخص می‌کند. ۷۰ در تقسیم‌بندی اقلیم هیچ امتیاز خاص و ویژگی متمایزی را نمی‌یابیم هر اقلیمی را به نام جزء خوانده و هر جزئی را به سه صقع (ناحیه) تقسیم می‌کند که هر صقع منطقه خاصی را شامل می‌شود. مثلاً اندلس را در جزء پنجم و در صقع سوم قرار داده و شهرها و مناطق جغرافیایی آن را یک به یک شرح می‌دهد. ۷۱ یکی از ویژگی‌های این اثر، توجه به عجایب و غرایب است. همین ویژگی باعث شده تا مورد توجه عموم مردم قرار گیرد و نسخه‌های خطی بسیاری از آن باقی بماند.

در سراسر کتاب، کلمه جغرافیا به صورت جغرافیا نوشته است که به معنای خریطه یا نقشه است. علت این امر اعتماد زهری به صوریه المأمونیه است. اثر زهری مورد استفاده ابن سعید مغربی در کتاب البداء و تاریخ آدم و احمد بن علی المحلی در کتاب تحفة الملوك و الرغائب و مقرئ قرار گرفته است. ۷۲

در قرن هفتم کتابی به نام «الجغرافیا فی الاقالیم السبع» توسط «علی بن سعید العنسی» (۶۱۰-۶۸۵هـ) تألیف شد. ابن سعید در این کتاب کاملاً به ادیسی تکیه داشته؛ زیرا او اقلیم‌ها را به هفت قسمت و هر کدام را به ده جزء تقسیم نموده است. او به طول و عرض جغرافیایی توجه خاصی دارد و سعی می‌کند تا محل دقیق هر شهری را معین نماید. بخشی از اطلاعاتش را در مورد جنوب ایتالیا و شهرها و ایالت‌های آن منطقه از دریانوری به نام ابن فاطمه گرفته است. ابن سعید مورد استفاده و نقد ابوالفداء قرار گرفته است. ۷۳

تهیه نقشه‌های جغرافیایی در اندلس

جغرافی دانان اندلس در امر تهیه نقشه زحمت بسیار کشیدند؛ گرچه تعداد اندکی از این نقشه‌ها باقی مانده است؛ اما با این وجود می‌توان به اهمیت کار آنان پی برد.

در بین جغرافی دانان اندلس، ادیسی به لحاظ تألیف اثری در مورد نقشه‌نگاری اهمیت خاصی دارد؛ او کتابی به نام «روض

الفرج و نزهه المهبج» تألیف کرد که دارای هفتاد و سه نقشه است و در مقدمه این کتاب می‌نویسد: هدف وی به دست دادن اندیشه‌ای مختصر از نقشه‌نگاری است و منابع خود را نام می‌برد و آنچه را که در غرب دیده و یا از جهانگردان شنیده است، شرح می‌دهد. این کتاب به صورت خطی در استانبول نگهداری می‌شود. ۷۴ نقشه جهان ادیسی توسط کونراد ملر چاپ شده است. ۷۵

علاوه بر این اثر، ادیسی نقشه دیگری نیز تهیه نمود. او خود در این مورد می‌نویسد: به دستور او از نقره خالص دایره بزرگی ساختند که وزن آن ۴۰۰ رطل رومی بود و هر رطل ۱۱۲ درهم می‌شد. در آن تصویر اقلیم سبعة و بلاد آن و نواحی اطراف و اکناف و خلیج‌ها و دریاها و مجاری آب‌ها و محل رودها و مناطق آباد و غیرآباد را کشیدند و راه‌ها و مسافت‌ها و بندرهای معروف را در آن ترسیم نمودند و کتابی مطابق با نقشه تألیف نمودند که احوال بلاد و زمین‌ها را توصیف می‌کرد. ۷۶ احتمال دارد این کتاب همان روض الفرج باشد. نقشه ادیسی اوج هنر نقشه‌کشی اسلامی در اندلس می‌باشد.

پیش از این از «زهری» و کتابش «الجغرافیه» سخن گفتیم. زهری کتابش را بر اساس شرح نسخه‌ای از صوریه المأمونیه که از طریق ابراهیم الفزاری به دست آورده بود، تألیف کرد. در مقدمه الجغرافیه در این مورد می‌نویسد: مأمون برای الجغرافیه هفتاد هزار فلاسفه عراق را جمع کرد و آن را بر توصیف زمین وضع نمودند. اگرچه این کار به دور از حقیقت بود؛ زیرا زمین

۷۰. زهری، الجغرافیه، تصحیح محمد حاج صادق، چاپ سربی دمشق، ص ۲۹۷.

۷۱. زهری، الجغرافیه، ص ۲۰۶-۲۷۲.

۷۲. همان، ص ۲۰۸؛ مقرئ، نفع الطیب، ج ۱، ص ۲۱۰ و ۲۱۱.

۷۳. به عنوان نمونه مراجعه شود به ابوالفداء، تقویم البلدان، چاپ فرانسه، ۱۸۴۰، ص ۱۲۱، ۱۳۱، ۱۳۵ و ۱۳۷.

۷۴. کراچوکوفسکی این اثر را دیده و شرح می‌دهد. ر. ک: تاریخ نوشته‌های جغرافیایی، ص ۲۳۴.

۷۵. ادیسی، نقشه صوریه الارض، منتشر شده توسط کونراد ملر ترجمه به عربی محمد بهجه الاثری بغداد، المجمع العراقی، ۱۳۷۰.

۷۶. ادیسی، نزهة المشتاق، ج ۱، ص ۷۰۲؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۱۶۳.

نام «المسهب فی غرائب المغرب» را برای عبدالملک بن سعید تألیف نمود. پس از او عبدالملک بن سعید آن را تصحیح و تنقیح نموده و بخش‌هایی را به آن اضافه کرد. دو پسر عبدالملک، احمد و محمد نیز از مؤلفان اثر مذکور بودند. موسی بن محمد که از عالم‌ترین افراد خانواده بنی سعید بود به این کتاب قسمت‌هایی را افزود و سرانجام وضعیت نهایی آن به دست علی بن سعید به وجود آمد.^{۸۲}

ابن سعید در مقدمه اثرش شیوه نگارش کتابش را بیان کرده، می‌نویسد: هر کدام از این دو اثر را به ترتیب بلاد مرتب نمودم هر زمانی که سرزمینی را ذکر می‌کردم، کوره آن را یاد نموده و از کرسی مملکت شروع کردم و ویژگی‌های طبیعی آن را بیان می‌کردم، سپس به پنج طبقه می‌پردازم و هر طبقه‌ای را بعد از طبقه دیگر آوردم و آن پنج تا عبارتند از: طبقه الامراء، طبقه الروساء، طبقه العلماء، طبقه الشعراء طبقه اللقیف^{۸۳} (گروه مردم).

ابن سعید در مورد کوره‌های اندلس بحث کرده و این بخش را «کتاب و شی الطرُس فی حلی الجزیره الاندلس» نامیده است. سپس اندلس را به سه قسمت غرب، میانه و شرق تقسیم کرده است و هر قسمتی را به نام کتابی خاص آورده است.^{۸۴} ابن سعید به مناطق مختلف جغرافیایی اندلس توجه داشته و از دریای مدیترانه به تفصیل بحث کرده است.

بسیاری از آثار ذکر شده در این مقاله علاوه بر اطلاعات جغرافیایی مطالب ذی‌قیمتی را در ارتباط با موضوعات تاریخی و فرهنگ شهرهای اندلس در اختیار خواننده قرار می‌دهند که با مطالعه آنها می‌توان تاریخ و فرهنگ اندلس را بهتر شناخت.

کروی است و جغرافیه بسیط است و اما آنها زمین را همچون اسطرلاب بسیط نمودند. این کار برای این بود که بیننده تمام اجزاء و حدود اقالیم و دریاها را ببیند.^{۷۷} گرچه زهری خود نقشه‌ای تهیه نکرد، اما با مطالعه اثر زهری می‌توان مشخصات الصورة المأمونیه را فهمید.

در قرن هفتم هجری نقشه‌ای جغرافیایی توسط ابن سعید مغربی تهیه شد.^{۷۸} اطلاعات ما از این نقشه و خصوصیات آن بسیار ناقص است؛ اما می‌توان گفت این نقشه همچون نقشه‌های ابن حوقل نبوده است، بلکه برای توضیح ذهن خواننده ترسیم شده است.

سایر آثار جغرافیایی

علاوه بر آثار مذکور، کتاب‌های دیگری در موضوعات مختلف جغرافیایی تدوین شد که در تقسیم‌بندی‌های فوق قرار نمی‌گیرد. از جمله آنها می‌توان به ترجمه کتاب اوروزیوس که توسط قاسم بن اصیغ^{۷۹} (م ۳۴۰هـ) صورت گرفت، اشاره کرد. ترجمه کتاب اوروزیوس باعث آشنایی مسلمانان با این اثر شد و در واقع منبع اصلی مسلمانان در تألیف آثار جغرافیایی به شمار می‌رفت. بخش جغرافیایی کتاب قسمت کوچکی را شامل می‌شود. احمد بن محمد رازی از علمایی است که کتابش را براساس اثر اوروزیوس تألیف نمود.

در قرن هفتم هجری یکی از علمای بزرگ اندلس به نام «ابوالحسن علی بن سعید العنسی» (۶۱۰-۶۸۵هـ) ظهور کرد. ابن سعید آثار بسیاری دارد،^{۸۰} اما از بین آنها دو کتاب «المغرب فی حلی المغرب» و «المشرق فی حلی المشرق» در مورد جغرافیاست. خانواده آل سعید نسبشان به عمار یاسر می‌رسید و آنها از فرمانروایان قلعه یحصب به شمار می‌آمدند. چند نفر از این خانواده در خدمت امیران مراطین بودند.^{۸۱}

تألیف المغرب تنها توسط ابن سعید نبوده، بلکه در طی یکصد و پنجاه سال و به دست شش نفر از علمای اندلس صورت گرفت و هر کدام پس از دیگری آن را تصحیح نمودند. اولین فرد ابو محمد عبدالله بن ابراهیم بن الحجازی است که در سال ۵۳۰هـ کتابی به

۷۷. زهری، الجغرافیه، ص ۳۰۸.

۷۸. مقری، نفع الطیب، ج ۱، ص ۲۰۹.

۷۹. در مورد زندگی قاسم بن اصیغ لطفاً مراجعه شود به ابن فرضی، تاریخ العلماء والرواه للعلم، بالاندلس، ج ۱، ص ۴۰۵ و الضبی، بغیة الملتس فی تاریخ الرجال اهل الاندلس، ص ۴۳۳-۴۳۴ و مقری، نفع الطیب، ج ۲، ص ۲۵۳-۲۵۴.

۸۰. مقری، نفع الطیب، ج ۲، ص ۳۸ و حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۰۳؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۶۸۹-۶۹۱.

۸۱. در مورد زندگی آل سعید به المغرب فی حلی المغرب، ص ۲، ۳ و ۴ تصحیح شوقی ضیف و نفع الطیب، ج ۳، ص ۱۰۱-۹۶ مراجعه شود.

۸۲. مقری، نفع الطیب، ج ۳، ص ۹۵ و ابن سعید، المغرب فی حلی المغرب، ج ۱، ص ۱.

۸۳. ابن سعید، المغرب، ص ۹.

۸۴. همان، ص ۳۳.